

Exploring Term Equivalence and Term Formation from Arabic to Persian

Robabeh Ramezani *

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Zohreh Ghorbani
Madavani** 

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

Examining terms and how to translate and finding equivalents for them is one of the challenging issues in translation technology. Attention to Arabic terms started in the fourth century of Hijri and was a result of the formation of the translation movement and its growing trend from Persian and Greek languages to the Arabic language. Different knowledge was transferred to the Arabic language through translation, and in this context, the issue of translation of terms became important. Although the knowledge of terminology is very old, its theoretical foundations still need to be discussed. In recent years, with the rise of translation of various texts, including political, literary, and other scientific fields, from Arabic to Persian and vice versa, terms and idiomatic interpretations have gained double importance. In this article, the term, and its types, the difference between the term and the word, and how to translate and equate scientific terms, idiomatic expressions, proverbs, and metaphorical expressions have been analyzed by using the descriptive-analytical method. Equivalence challenges for terms and idiomatic interpretations have difficulties that have been mentioned.


Keywords: Idioms, Equivalence Challenges, Idioms, Irony and Simile.


* Corresponding Author: ramezani@atu.ac.ir

How to Cite: Ramezani, R., Ghorbani Madavani, Z. (2023). Exploring Term Equivalence and Term Formation from Arabic to Persian. *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 12(27), 69-91. doi: 10.22054/RCTALL.2023.70131.1651



کنکاشی در معادل‌یابی اصطلاح و اصطلاح‌سازی از عربی به فارسی

ربابه رضانی*  استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

زهره قربانی مادوانی  استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

بررسی اصطلاحات و چگونگی ترجمه و معادل‌یابی برای آن‌ها از موضوعات چالشی در فن ترجمه است. توجه و اهتمام به اصطلاحات عربی از قرن چهارم هجری و در نتیجه شکل‌گیری نهضت ترجمه و روند رو به رشد آن از زبان‌های فارسی و یونانی به زبان عربی آغاز شده است. معارف و دانش‌های مختلف از طریق ترجمه به زبان عربی راه یافت و در این زمینه، موضوع تعریب اصطلاحات اهمیت پیدا کرد. با وجود اینکه دانش اصطلاح‌شناسی بسیار قدیمی است، اما پایه‌های نظری آن همچنان نیاز به بحث و بررسی دارد. در سال‌های اخیر با اوج‌گیری ترجمه متون مختلف اعم از سیاسی و ادبی و سایر زمینه‌های علمی از عربی به فارسی و برعکس، اصطلاحات و تعابیر اصطلاحی اهمیت مضاعفی یافته است. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی سعی شده است اصطلاح و انواع آن و تفاوت بین اصطلاح و لغت بررسی شده و چگونگی ترجمه و معادل‌یابی اصطلاحات علمی و تعابیر اصطلاحی و ضرب‌المثل‌ها و تعابیر مثلی تحلیل شود. چالش‌های معادل‌یابی برای اصطلاحات و تعابیر اصطلاحی دشواری‌هایی دارد که از آن‌ها سخن رفته است.

کلیدواژه‌ها: اصطلاحات، چالش‌های معادل‌یابی، تعابیر اصطلاحی، کنایه، مثل.

مقدمه

اهمیت اصطلاح بر کسی پوشیده نیست با این وجود پژوهش‌های اندکی درباره اصطلاح‌شناسی صورت گرفته است. اصطلاح از ریشه «صلح» می‌آید؛ یعنی اهل زبان یا اهل یک علم بر کاربرد آن بر معنا یا مفهومی خاص اتفاق نظر پیدا می‌کنند. کتاب مفاتیح‌العلوم نوشته خوارزمی از نخستین تلاش‌های صورت گرفته در زمینه اصطلاح‌شناسی است که پس از شکل‌گیری نهضت ترجمه از زبان‌های یونانی و فارسی به زبان عربی تألیف شده است. او حدود ۲۵۰۰ اصطلاح را در کتاب خود آورده و آن‌ها را شرح داده است و به خوبی به این موضوع واقف بود که برای ترجمه یک متن باید ابتدا با اصطلاحات آن علم آشنا شد. از این رو، در مقدمه کتاب خود اصطلاحات هر علم را کلید ورود به آن علم دانسته و آن را کلیدهای دانش نام نهاده است (ن. ک: خوارزمی، ۱۳۶۲: مقدمه).

تفاوت لغت و اصطلاح از موضوعاتی است که مترجمان باید اهمیت زیادی به آن بدهند و مرز بین لغت و اصطلاح را در ذهن خود مشخص کنند. مترجمان تازه‌کار و نوآموز در کتاب‌های لغت به دنبال اصطلاح می‌گردند غافل از آنکه لغت‌نویسان و فرهنگ‌های لغت کمتر درباره اصطلاحات اظهار نظر می‌کنند و اغلب، معنای لغوی را ذکر می‌کنند، زیرا شرح اصطلاح یک کار فنی است و معادل‌یابی برای آن نیازمند تخصص و احاطه به آن علم و دانش است.

اهمیت شناخت تعابیر و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها و تأثیر آن بر ترجمه از موضوعاتی است که پژوهش دقیق و گسترده‌ای را می‌طلبد و کمتر به آن پرداخته شده است. در این مقاله، اصطلاح و انواع آن و تفاوت بین اصطلاح و لغت بررسی می‌شود و به چگونگی ترجمه و معادل‌یابی اصطلاحات علمی و تعابیر اصطلاحی و ضرب‌المثل‌ها و تعابیر مثلی پرداخته خواهد شد. بررسی یکی از شیوه‌های اصطلاح‌سازی در زبان عربی (نحت) و دشواری ترجمه این اصطلاحات از موضوعات دیگری است که به آن می‌پردازیم. همچنین از آنجا که کنایه، مجاز و ضرب‌المثل نیز همچون تعابیر اصطلاحی بر معنایی به غیر از صورت ظاهری خود دلالت می‌کنند؛ از این رو، به تفاوت آنان نیز اشاره خواهد شد.

این مقاله بر آن است تا پاسخی برای پرسش‌های زیر بیابد:

- اصطلاح و لغت چه تفاوت‌هایی دارند و چگونه می‌توان اصطلاح را از لغت بازشناخت؟

- مصادر منحوت چیست و معادل‌یابی آن‌ها چه چالش‌هایی دارد؟

- تفاوت اصطلاح‌زبانی با ضرب‌المثل، کنایه و مجاز در چیست؟ فرضیه‌ها نیز عبارتند از:

- مهم‌ترین تفاوت اصطلاح با لغت، ثابت بودن معادل اصطلاح و شناور بودن معنای لغت است.

- نحت یکی از شیوه‌های اصطلاح‌سازی در زبان عربی است و برای تشخیص و معادل‌یابی آن‌ها مترجم باید اشتقاق در زبان عربی را بشناسد.

- اصطلاح‌زبانی ویژگی‌های مهمی دارد که آن را از ضرب‌المثل و کنایه و مجاز متمایز می‌کند.

پیشینه پژوهش

بررسی و تحلیل اصطلاحات عربی و فارسی، اعم از اصطلاحات علمی و زبانی و چالش‌هایی که در ترجمه به وجود می‌آورند از پیشینه‌ی زیادی برخوردار نیست و کمتر به آن پرداخته شده است. این موضوع در زبان انگلیسی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه به برخی از این منابع اشاره می‌کنیم.

مقاله ذوالفقاری (۱۳۸۷) با عنوان «تفاوت کنایه با ضرب‌المثل» در باب تفاوت‌ها و شباهت‌های ضرب‌المثل با سایر عنوان‌های مشابه بلاغی سخن می‌گوید و در حوزه مثل‌شناسی و مثل‌نگاری در ادبیات عامیانه و بلاغت فارسی کاربرد دارد.

مقاله زرکوب و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان «تحلیل مقابله‌ای امثال در فارسی و عربی از نظر معنا و واژگان و سبک (بررسی موردی بیست و یک مثل)» بر امثال عربی متمرکز شده و اشتراک‌ها و اختلاف‌های واژگانی، معنایی، فرهنگی و سبکی میان دو زبان فارسی و عربی را در سایه ضرب‌المثل‌ها کنکاش کرده و نوع بیان و استفاده از آرایه‌های بلاغی را در امثال بررسی می‌کند.

مقاله نظری و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان «تداخل زبانی و دگرگونی معنایی وام‌واژه‌های عربی و جنبه‌های تأثیر آن‌ها بر ترجمه از عربی» به آمیختگی دو زبان، یعنی واژگان دخیل پرداخته و تحول معنایی و کاربردی آن‌ها را بررسی کرده است.

مقاله گرجی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «نقد ترجمه عناصر فرهنگی کتاب تذکری با تکیه بر مثل‌ها و کنایه‌ها» به بررسی کیفیت ترجمه مفاهیم، شامل کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌ها پرداخته و آن‌ها را با تطبیق بر روش‌های ترجمه فرهنگی نیومارک، تحلیل می‌کند.

منابع فوق با موضوع این مقاله که به چالش‌های ترجمه اصطلاحات علمی و زبانی می‌پردازد، تفاوت دارد.

یافته‌ها

۱. بحث و بررسی

اصطلاح اگر مربوط به علم باشد توسط نهادها، کارشناسان، سرآمدان و بزرگان آن علم در فرهنگ اصطلاحات پیشنهاد می‌شود و اهل آن علم در گفته‌ها یا نوشته‌های خود آن اصطلاح را به کار می‌برند. از همین رو است که هر علم برای خود مجموعه‌ای از اصطلاحات را دارد که توسط فرد یا افراد مبرز در آن علم به رشته تحریر درآمده است. اگر اصطلاح مربوط به زبان باشد که به آن تعبیر اصطلاحی نیز گفته می‌شود، ابتدا در افواه مردم یا در آثار مکتوب مانند داستان‌های نویسندگان یا اشعار شاعران مطرح می‌شود و مورد پذیرش عامه خوانندگان قرار می‌گیرد و مصطلح می‌شود. بنابراین، اصطلاح به دو نوع اصطلاح علمی و اصطلاح زبانی (تعبیر اصطلاحی) تقسیم می‌شود که در ادامه به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱. اصطلاح علمی

در دانشنامه‌های تعاریفات برای اصطلاح چند تعریف آمده است که در اینجا به تعریفی که در ادامه و به نظر می‌رسد جامع‌تر است، اکتفا می‌کنیم؛ «الاصطلاحُ إخراجُ اللفظِ من معنی لغوی إلی آخرٍ لمناسِبَةٍ بینهما: اصطلاح، نقل لفظ از معنایی به معنای دیگر را گویند؛ زیرا بین این دو معنا رابطه‌ای وجود دارد» (جرجانی، ۱۹۸۳: ۴۴).

جعفری لنگرودی نیز تعریفی به‌روزتر ارائه کرده است: «اصطلاح عبارت است از لفظی که در رشته و فن ویژه‌ای معنای لغوی خود را از دست داده و برای رساندن مقاصد علمی و تفهیم مطالب فنی به کار می‌رود. اصطلاحات گاهی الفاظ کوتاهی است که معنای مهم و برجسته زیادی را ادا می‌کند و مفاهیم دقیق علمی را ظاهر و روشن می‌سازد ولی لغت چنین نیست» (جعفری لنگرودی، ۱۳۳۴: ۶).

پس اصطلاح به معنای اتفاق نظر بر کلمه یا سمبل خاصی برای مفهومی مشخص در علم و صنعت و هنر است و ویژگی‌های مهمی دارد که همین ویژگی‌ها باعث می‌شود از واژه یا معنای لغوی متمایز شود.

درباره تفاوت لغت و اصطلاح باید گفت:

- اصطلاح توسط کارشناسان یک علم، ساخته و پیشنهاد داده می‌شود، سپس اهل آن علم بر پذیرش آن توافق می‌کنند. به عنوان مثال، برای علم فلسفه، فقط متخصصان و بزرگان این علم می‌توانند اصطلاحات فلسفی را ارائه بدهند، اما معنای لغوی را هر یک از آحاد مردم می‌توانند در معنایی جدید به کار ببرند. ارائه معنای جدید معمولاً توسط نویسندگان و شاعران و نهادهای فرهنگی و اهل رسانه پیشنهاد می‌شود، اما اصطلاحات توسط نهادهای مسئول، پیشگامان، سرآمدان و یا آگاهان آن رشته علمی ارائه شده و در فرهنگ اصطلاحات گرد می‌آید. مترجمانی که به ترجمه متون تخصصی دارای اصطلاحات علمی همت می‌گمارند باید حتماً با اصول آن علم آشنایی داشته باشند. به عنوان مثال، مترجمی که معمولاً متون سیاسی یا اقتصادی ترجمه می‌کند، نمی‌تواند دست به ترجمه متن حقوقی بزند و باید این کار را به مترجم متون حقوقی بسپارد. فرهنگ‌های اصطلاحات دو یا چند زبانه به دو گونه تک معادل و تفسیری تقسیم می‌شوند. در فرهنگ‌های اصطلاحات تک معادل، مترجم فرهنگ باید در برابر هر اصطلاح، معادل آن اصطلاح را در زبان مقصد پیدا کند و در برابر آن قرار دهد و اغلب، توضیحی کوتاه در برابر آن بیاورد. البته معادل بسیاری از اصطلاحات علمی که از زبان انگلیسی وارد زبان‌های دیگر می‌شوند به صورت ترجمه و وام‌گیری است.

به عنوان مثال برای فرهنگ دو زبانه تک معادل می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

SABOTAGE = سابوتاژ

سابوتاژ از کلمه سابوت به معنی «کفش چوبی روستاییان یا کارگران در کارخانه» به عمل تخریبی کفش چوبی کارگران در واحدهای کارگری که به طور عمدی صورت می-گرفت، اطلاق می شود (بیرو، ۱۳۶۶: حرف س).

همچنین برای نمونه‌ای از فرهنگ دو زبانه تفسیری معادل می توان به مورد زیر اشاره کرد:
مثال برای فرهنگ دو زبانه تفسیری:

پاگشایی = Initiation

Initiation از مصدر initiate (to) به معنای «پذیرفتن، امکان دستیابی به دانشی را فراهم ساختن، موجبات مشارکت در واقعیتهای پنهان و سری را فراهم کردن» گرفته شده است. از دیدگاه دینی، پاگشایی، دستیابی به سطح یا مرحله‌ای نو در حیات اجتماعی-دینی را موجب می شود و معمولاً با مراسمی ویژه همراه است و افراد پذیرفته شده به این سطح یا مرحله به شناخت اسراری دست می یابند. این مراسم را مناسک یا پاگشایی می-خوانند... (آراسته خو، ۱۳۷۰: ۱۲۲).

در مثال اول، معادل فارسی ارائه نشده و به صورت وام گیری وارد زبان فارسی شده است؛ از این رو، توضیحی کوتاه برای آن آمده است. در مثال دوم که فرهنگی تفسیری است، معادل فارسی ارائه شده و به تفصیل شرح داده شده است.

- «کارشناسان و متخصصان رشته‌های علمی مختلف برای بیان مفاهیم مورد نظر خود، همیشه واژه‌سازی نمی کنند، بلکه اغلب از کلمات موجود در زبان استفاده می کنند با این تفاوت که آن را در معنا و مفهوم خاصی که ویژه آن علم است به کار می برند و در آن معنا تثبیت می کنند. برای مثال، تقصیر در لغت به معنای کوتاهی کردن عمدی است، اما در علم فقه در باب حج برای کوتاه کردن ناخن و موی سر، اصطلاح شده است» (ناظریان، ۱۳۸۶: ۹۲). مثال دیگر «کلمه رجعت است که معنای لغوی آن بازگشت است، اما همین کلمه در علم فقه به معنای رجوع به همسر در طلاق غیر بائن است. همین اصطلاح در علم کلام به معنای بازگشت بعضی افراد به دنیاست» (خوارزمی، ۱۳۶۲: ۳). همچنین «پس از ظهور امام زمان (عج) پیش از آغاز آخرت است. گفته اند امام علیه

السلام اولین کسی است که رجعت می‌کند. همین اصطلاح نزد کاتبان دیوان حساب، گزارشی است که وکیل خرج برای خوراک یک نوبت سپاه تسلیم می‌کند» (همان: ۴).
- در ساخت و به کار بردن اصطلاحات شیوه‌های گوناگونی به کار می‌رود. «گاهی برای ساختن اصطلاح در علمی خاص از طریق مجاز یا استعاره یا کنایه به واژه‌ای برجستگی و تشخیص می‌بخشند تا از طریق همنشین ساختن آن واژه با واژه‌های دیگر، اصطلاح بسازند. برای مثال «قمّة» در لغت به معنای قلّه کوه است، اما همین واژه در علم سیاست با همنشینی با واژه «مؤتمر» معنایی کاملاً اصطلاحی پیدا می‌کند و به صورت استعاری به سران کشورها اطلاق می‌شود؛ زیرا بالاترین مقام کشور محسوب می‌شوند و «مؤتمر القمه» به معنای کنفرانس سران کشورها است. واژه «حقیبة» در لغت به معنای کیف است، اما در سیاست به طور کنایی به مقام وزارت یا وزارتخانه اطلاق می‌شود و «حقائب وزاریه» به معنای وزارتخانه‌ها و «وزیر بلا حقیبة» به معنای وزیر مشاور است؛ یعنی وزیری که وزارتخانه ندارد. شاید دلیل چنین کاربردی آن باشد که وزیران همواره کیف حاوی اسناد و مدارک مربوط به وزارتخانه را به همراه دارند» (ن. ک: ناظمیان، ۱۳۸۶: ۹۲).

- «تفاوت دیگر واژه و اصطلاح در قلمرو معنایی است. واژه در قاموس یک زبان دارای معنای محدودی است که معمولاً آن معنا در فرهنگ مدوّن آن زبان در برابر واژه آورده می‌شود، اما قلمرو معنایی اصطلاح گسترده‌تر و وسیع‌تر از قلمرو معنایی واژه است. به عبارت دیگر، معنای یک واژه در کتب لغت برای یک مفهوم محدود از یک یا چند کلمه بیشتر نیست؛ مانند کلمه صلاة در معنای دعا، اما وقتی واژه از عرف عام اخذ و در عرف خاص به صورت اصطلاحی استعمال شود، مفهوم و معنای گسترده‌ای می‌یابد و عبارت می‌شود از سلسله اعمالی که با آداب و شرایطی خاص باید انجام گیرد تا فریضه- ای به جای آید» (ن. ک: ستوده، ۱۳۸۶: ۶۲).

- فرق دیگر این است که تعداد لغات در گنجینه واژگان یک زبان محدود است و در مجموعه‌ای به نام فرهنگ لغت قابل عرضه است، اما برای اصطلاحات به اعتبار پدیده- های تازه، محدودیتی متصور نیست» (همان: ۶۲) از این رو، فرهنگ‌های اصطلاحات اغلب به روزرسانی می‌شوند.

- برخی اصطلاحات علمی هستند که به خاطر تداول روزمره در زبان مردم و کاربرد گسترده آنها تبدیل به لغت می‌شوند و همه مردم معنای آنها را می‌دانند و کاربرد آنها را متوجه می‌شوند، اما اصطلاحات علمی مانند اصطلاحات پزشکی، اصطلاحات الکترونیکی و ... معمولاً در فرهنگ اصطلاحات پیدا می‌شوند و حتی متخصصان فن نیز برای دانستن معنای آنها به فرهنگ اصطلاحات مراجعه می‌کنند، اما اصطلاحاتی چون گلوبول، میکروب، سلول در علم پزشکی و تابعیت، حق شهروندی، دولت آشتی ملی در علم سیاست و ... اصطلاحاتی هستند که به لغت تبدیل شده‌اند.

- اصطلاحات مترادف پذیر نیستند، اما برای لغت می‌توان مترادف یافت. مترجم می‌تواند برای ایجاد تأثیر مشابه با متن اصلی علاوه بر واژه مورد نظر از مترادف‌های آن نیز استفاده کند؛ یعنی برای ترجمه یک واژه از چند واژه مترادف بهره گیرد. در مورد ترجمه جمله نیز همین موضوع صادق است، اما همان گونه که اشاره شد اصطلاحات مترادف پذیر نیستند. «در زبان عرف، مترادف‌ها رواج بسیاری دارند و کاربرد آنها به جای یکدیگر نه تنها اختلافی در تفهیم و ابلاغ پیام ایجاد نمی‌کند، بلکه به غنای زبان و قدرت آن می‌افزاید. برای مثال، در زبان عرف می‌توانیم به جای واجب از کلماتی نظیر لازم، ضروری، اجباری یا الزامی استفاده کنیم، اما در فقه یا فلسفه نمی‌توان به جای واجب از مترادف‌های آن استفاده کرد. حتی در هر یک از فقه و فلسفه مفهوم واجب متفاوت است» (ناظمیان ۱۴۰۰: ۹۸). «واجب» در فقه در مقابل «حرام و مستحب» و در فلسفه در ترکیب «واجب الوجود» قرار می‌گیرد و نمی‌توان مثلاً در جمله «إِنَّ الصَّلَاةَ وَاجِبَةٌ» گفت: «نماز، لازم یا ضروری است».

- علوم و دانش‌های مختلف همچون روان‌شناسی، حقوق، سیاست و ورزش و ... هر کدام اصطلاحاتی دارند که آن علوم و دانش‌ها بر پایه همین اصطلاحات شکل گرفته‌اند. رسانه‌های عمومی به ویژه در زمینه علم سیاست، ورزش و اقتصاد به عنوان واسطه بین دانش و مردم محسوب می‌شوند. «در این میان، گزارشگران و تحلیلگران رشته‌های مختلف ورزشی نیز هر کدام از واژه‌ها و تعبیر خاصی استفاده می‌کنند که اگر مترجم با آنها آشنا نباشد در ترجمه متون ورزشی با دشواری‌های زیادی روبه‌رو خواهد شد و سرانجام، متن نارسا، مبهم و ناهمواری را ارائه خواهد داد» (ناظمیان، ۱۳۹۰: ۲۹۵).

- اصطلاح یک معادل کلیشه‌ای دارد و به جای آن نمی‌توان از کلمات دیگری استفاده کرد. به عنوان مثال، کلمات زیر از آن جمله‌اند:

الطاقة الذرية: انرژی اتمی

انقلاب عسگری: کودتای نظامی

الصاروخ: موشک

أزمة: بحران

که اصطلاحات سیاسی هستند و نمی‌توان معادل دیگری را به جای آن‌ها به کار برد. از همین رو است که مترجم متون سیاسی از عربی به فارسی باید ابتدا متون سیاسی و خبری در زبان فارسی را مطالعه کند تا با معادل‌ها آشنایی پیدا کند و با آگاهی اقدام به ترجمه کند.

- لغت، تطور معنایی پیدا می‌کند و معنای جدیدی می‌گیرد: مثل کلمه «سیارة» در قدیم به معنای قافله بوده است و با تطور معنایی به وسیله نقلیه ماشین تغییر یافته است و «طيارة» در قدیم به معنای «اسب شتابان» بوده است و در حال حاضر به معنای «هواپیما» به کار می‌رود. این انتقال معنایی از طریق صفت مشترک دو معنا شکل گرفته است که هر دو سرعت دارند. «قاطرة» در گذشته به معنای «شتر پیشرو» و در حال حاضر به معنای «لکوموتیو» به کار می‌رود. همچنین «هاتف» در معنای قدیم «جن» و در معنای کنونی «تلفن» است.

- لغت می‌تواند حوزه‌های متعددی را پوشش دهد؛ به عنوان مثال «مفاتیح» در یک متن عمومی به معنای «کلیدها» و در یک متن دینی کتاب مشهور «مفاتیح الجنان» است و یا واژه «زکاة» در یک متن عمومی به معنای «پاکی و طهارت» و در یک متن فقهی به معنای «یکی از فروع یازده گانه دین» است و یا لغت «ضربة» در علم سینما به معنای فیلم پرستری، در علم کشاورزی به معنای یخ زدن گیاه، در فقه به معنای برپا داشتن نماز، در علم آرایشگری به معنای چتری بریدن مو، در علم ورزش به معنای زدن گل به هدف، در علم پزشکی به معنای ضربان قلب و نبض، در تجارت به معنای معامله کردن و سکه

ضرب کردن و... آمده است. از این رو، مترجم باید با توجه به نوع متن یکی از این معانی را گزینش کند.
در جدول (۱)، به دیگر تفاوت‌های لغت و اصطلاح اشاره شده است.

جدول ۱. دیگر تفاوت‌های لغت و اصطلاح

اصطلاح	لغت
مربوط به علمی خاص	مربوط به زبان عمومی
معنای تخصصی	معنای عمومی
عدم تطور معنایی	تطور معنایی
بافت نقشی ندارد.	بافت جمله باعث تغییر معنایی می‌شود.
تنها یک بار معنایی خاص دارد.	معانی مختلف دارد.
معنایش ثابت است.	مفرد با مجاز و استعاره معنای آن تخصیص و توسیع می‌شود.
اشتراک لفظی ندارد.	اشتراک لفظی دارد.
لفظ یا ترکیب یا عبارت است.	لفظ است.

ترجمه اصطلاحات علمی مشکلات و دشواری‌هایی دارد که این دشواری‌ها در علوم کمتر معرفی شده در ایران بیشتر است؛ زیرا فرهنگ اصطلاحات معتبر در زمینه علوم مختلف بسیار اندک است و یا اصلاً نیست. در علمی مانند مکانیک، صنعت نفت، معماری و... برای یافتن معادل این اصطلاحات، مترجم باید ابتدا معادل انگلیسی اصطلاح عربی را پیدا کرده و سپس به فرهنگ اصطلاحات انگلیسی فارسی مراجعه کند و معادل را بیابد.

۱-۲. اصطلاح زبانی

اصطلاح زبانی برآمده از زبان است و هنگام سخن گفتن یا نوشتن به کار می‌رود و به آن تعبیر اصطلاحی یا تعبیر مثلی نیز گفته می‌شود. اصطلاح زبانی یا تعبیر اصطلاحی «پدیده-ای زبانی است که تجربه زندگی را در طول عصور مختلف نشان می‌دهد. تعبیر اصطلاحی عبارتی است که معنای آن با معانی تک تک کلمات آن متفاوت است؛ یعنی نمی‌شود از طریق معنای واژگان به معنای کلی آن پی برد مانند: شَبَّ عن الطوق: به بلوغ

رسید. در زبان عربی به تعبيرات اصطلاحی، القَوْلُ المَأْثُورُ و القَوْلُ السَّائِرُ نیز گفته می‌شود» (مصطفی، ۱۱۹۹: ۱۴۲).

شَبَّ عَنْ الطُّوقِ در ترجمه واژگان چنین است: «از گردنبند یا دستبند جوان شد. کنایه از این که دیگر بزرگ شده و نیازی به حرز و تعویذ ندارد» (ناظمیان، ۱۳۹۳: ۲۰۲).
لاینبثک مثل خبیر: کسی مثل باتجربه به تو خبر نمی‌دهد. معادل فارسی این تعبیر «کار را باید به کاردان سپرد» است که با ترجمه تحت‌اللفظی آن کاملاً متفاوت است.
معجم‌التعابیر یا معجم‌المصطلحات و التعابیر در زبان عربی، مجموعه‌ای از این اصطلاحات زبانی را گرد آورده‌اند. در فارسی نیز این مصطلحات و تعابیر گردآوری و معادل‌یابی شده و به صورت دوزبانه در اختیار عموم قرار گرفته است.
در ادامه مثال‌هایی در فارسی و عربی از اصطلاحات ارائه شده است.

فارسی

- خود را به موش‌مردگی زد: يَتَمَسِّكُنْ حَتَّى يَتَمَكَّنْ (خود را به بیچارگی می‌زند تا قدرت یابد)
- ز خر شیطان پایین آمد: رَجَعَ إِلَى صَوَابِهِ (به مسیر درست خود بازگشت)
- دارندگی و برازندگی: إِنَّ الْغَنَى طَوِيلُ الظِّلِّ مِیَّاسٌ (شخص ثروتمند، سایه‌اش بلند است و می‌خرامد).

عربی

- عَضَّ عَلَى الجِرْحِ (زخم را گاز گرفت): روی زخم نمک پاشید.
- شَقَّ عَصَا الطَّاعَةِ (چوب اطاعت را شکافت): سر به عصیان برداشت
- كُلُّ آتٍ قَرِيبٌ (هر آینده‌ای نزدیک است): دیر و زود دارد سوخت و سوز ندارد.

۱-۲-۱. تفاوت اصطلاح زبانی با ضرب‌المثل

اصطلاح زبانی (تعبیر کنایی یا تعبیر مثلی) با ضرب‌المثل تفاوت‌هایی دارد. البته عمده تفاوت‌ها به این برمی‌گردد که ضرب‌المثل عبارتی کلیشه‌ای است و قابلیت تغییر چندانی در شکل ظاهری واژگان ندارد. در ادامه به برخی از این تفاوت‌ها اشاره می‌کنیم.

الف- اصطلاح زبانی بیشتر برای ارائه یک اندیشه یا بیان یک حادثه به کار می‌رود در حالی که ضرب‌المثل برای اندرز و مشاوره استفاده می‌شود. به عنوان مثال:

يرْقُصُ عَلَيَّ الْحَبْلِ: (روی طناب می‌رقصد): نان به نرخ روز می‌خورد.

ب- اصطلاح زبانی می‌تواند مدخل لغت‌نامه باشد، اما ضرب‌المثل این ویژگی را ندارد (ن. ک: انوری، ۱۳۸۴: ۱۲). به عبارت دیگر، اصطلاح زبانی را می‌توان به شکل مصدری به کار برد و در جملات مختلف به صورت ساختارهای بیانی متفاوتی استفاده کرد. در ادامه به نمونه‌هایی از این موضوع اشاره شده است.

نُكْرانِ الْجَمِيلِ: ضایع کردن خوبی

فَلانٌ ناکِرُ الْجَمِيلِ: فلانی نمک‌شناس است، نمک می‌خورد و نمکدان می‌شکند.

فَلانٌ يَنْكُرُ الْجَمِيلِ: فلانی نمک‌شناس است، نمک می‌خورد و نمکدان می‌شکند.

فَلانٌ تَعوُدُ عَلَيَّ نُكْرانِ الْجَمِيلِ: فلانی عادت دارد نمک بخورد و نمکدان بشکند.

ج- ضرب‌المثل بر پایه حادثه و داستانی خلق شده و شأن نزول دارد. تفاوت اصلی ضرب‌المثل با سایر کلیشه‌های زبانی همین است که ضرب‌المثل بر پایه حادثه‌ای شکل گرفته است؛ مانند:

ذَكَرْتَنِي الطَّعْنَ وَ كُنْتُ نَاسِيَا: نیزه را به یاد من آوردی در حالی که آن را فراموش کرده بودم.

گروهی از دزدان به مردی که همراه خانواده‌اش سفر می‌کرد، حمله کردند. به او گفتند اگر اموال و خانواده‌اش را نگذارد و فرار نکن او را خواهند کشت. مرد گفت: اموال مرا بردارید و خانواده‌ام را رها کنید. یکی از دزدان فریاد زد: اگر نیزه‌ات را زمین بگذاری با شما کاری نداریم. مرد با شنیدن این سخن فهمید که نیزه‌ای در دست دارد، پس نیزه را بلند کرد و با آنان جنگید و آنان را به هلاکت رساند در حالی که می‌گفت: نیزه را فراموش کرده بودم تو به من یادآوری کردی!

معادل فارسی: آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم (ناظمیان، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

د- «ضرب المثل بر پایه تشبیه شکل می‌گیرد، اما در تعبیر کنایی شرط نیست که بر پایه تشبیه باشد» (مصطفی، ۱۹۹: ۱۴۸). اصطلاحات زبانی به دو نوع تقسیم می‌شوند: تعابیر اصطلاحی و تعابیر عادی.

ه- اصطلاح زبانی یا تعبیر می‌تواند در قالب کنایه یا مجاز یا استعاره باشد که تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند.

۱-۲-۲. تعبیر کنایی

اصطلاح زبانی اغلب از طریق کنایه به مراد اصلی می‌رسد؛ زیرا کنایه از تصریح تأثیر بیشتری دارد و زیباتر نیز است. «ذوق هنری هر فردی تصدیق می‌کند که تعریض، ایما و تلویح از تصریح به یک موضوع بسیار بلیغ‌تر بوده است. بهره بیشتری را به مخاطبان می‌رساند؛ زیرا بیشتر به هوش و درایت خواننده تکیه می‌کند» (ابوالحق، ۱۹۸۸: ۱۷۲).

کنایه «ذکر لازم و اراده ملزوم است. کنایه به دو معنای قریب و بعید اشاره دارد که معنای بعید منظور است نه معنای قریب» (هاشمی، ۲۰۱۷: ۳۴۵). به عنوان مثال، در تعبیر «گره بر باد زدن»، معنای لازم آن که همان گرفتن باد و گره بستن بر آن است، مراد نیست، بلکه منظور گوینده، کار بیهوده است. البته در تعبیر کنایی فوق، کلمات گره زدن و باد، حقیقی و قابل تصور هستند و قرینه‌ای نیست که نشان بدهد آیا واقعاً گره زدن بر باد منظور ماست یا چیز دیگر، اما با کمی تأمل درمی‌یابیم بر باد نمی‌توان گره بست. پس مفهوم غیر حقیقی کار بیهوده را از این تعبیر اصطلاحی متوجه می‌شویم.

کنایه‌هایی چون: هو فوق الريح (او روی باد است) و ركل الدلو (به سطل لگد زد) نیز چنین هستند. روی باد بودن و لگد زدن به سطل، معانی قریب و حقیقی است؛ زیرا واقعاً می‌توان کسی را روی باد یا شخصی را در حال لگد زدن به سطل تصور کرد، اما معنای بعید این دو تعبیر که با تأمل به دست می‌آید به مراد دل رسیدن و فوت کردن است. البته مترجم در برخورد با این کنایه‌ها ابتدا باید معنای بعید را دریابد و سپس با توجه به بافت جمله به دنبال معادل بگردد.

«واژگان عربی غالباً با معادل‌های فارسی خود تفاوت‌های اساسی در کاربرد و اثرگذاری متفاوت بافتی دارند» (نظری، ۱۳۹۵: ۸۵). برای تعبیر نخست «هو فوق الريح: خر مراد را سوار است» و «ركل الدلو: جان به جان آفرین تسلیم کرد» مناسب است. البته

همیشه کلمات حقیقی و قابل تصور، مبنای یک تعبیر کنایی قرار نمی‌گیرند، بلکه ممکن است یک ضمیر، مبنای استنباط کنایه باشد. به عنوان مثال، در جمله زیر «نون النسوة» کنایه از زنان و «واو الجماعة» کنایه از مردان است:

تری ما مصیرُ «نون النسوة»، هل سیتنفضُ، أم سیختارُ أن یكونَ فی الخلفِ راصداً لخطواتِ رفیقِ الدربِ «واو الجماعة»؟. راستی سرنوشت زنان چه خواهد شد آیا قیام خواهند کرد یا انتخاب می‌کنند که پشت سر باشند و گام‌های رفیق راه خود؛ یعنی مردان را رصد کنند؟ (السکا کینی، ۱۹۴۵: ۴۵).

۱-۲-۲-۱. معادل‌یابی برای تعابیر کنایی

یافتن معادل برای تعابیر کنایی یکی از چالش‌های مهم ترجمه به شمار می‌رود؛ زیرا معنای اغلب اصطلاحات زبانی به ویژه تعابیر کنایی را نمی‌توان از معنای تک تک واژگان آن‌ها حدس زد. این تعابیر به فرهنگ جامعه گره خورده‌اند و فهم آن‌ها به تجربه مترجم در زبان اصلی بستگی دارد. در ادامه به چند مورد اشاره می‌کنیم:

«ذهب کلّ مذهب: به هر دری زد. از هیچ کاری فروگذار نکرد.

ذهب به کلّ مذهب: یک دل نه صد دل عاشق او شد؛ دلش به هزار راه رفت.

غنیمت بارده: کنایه از نعمتی که بی‌رنج و زحمت به دست آید. کنایه از روزه در زمستان نیز هست.

از آنجا که غنیمت در جنگ و کشمکش به دست می‌آید، لاجرم گرم است و از غنیمت بدون جنگ به غنیمت سرد تعبیر شده است» (ناظمیان، ۱۳۹۳: ۲۶۹).

کسرّ الثلج: (یخ را بشکن) زمینه را آماده کن.

ستارٌ حدیدی: پرده آهنین (کنایه از موانع فکری و معنوی که از پیوند دو کشور جلوگیری می‌کند).

«سبح قلبی: (دلم شناور شد) دلم فرو ریخت.

سُيُصَبِحُ مَوْزَةً: به موز تبدیل خواهد شد؛ کنایه از اینکه عقل از سرش خواهد پرید، دیوانه خواهد شد» (مصطفی، ۱۱۹۹: ۱۴۸).

۱-۲-۳. کنایه و رمز

در رمز و نماد نیز می‌توان کنایه را واسطه فهم معنا دانست. به عنوان مثال، غصن الزیتون (شاخه زیتون) تعبیری رمزی و نمادین و کنایه از صلح است. «در تعبیر کنایی «پشت گردن فلانی پهن است» از لازم (پهنی گردن) به ملزوم (حماقت) پی می‌بریم، در حالی که در عبارت «دریایی را در مسجد دیدم» از ملزوم (عالم) به لازم (در مسجد) پی می‌بریم. حال باید قرینه و واسطه‌ای باشد تا ذهن را از معنی حقیقی به معنی کنایی بکشاند. این واسطه گاه نزدیک (قریب) است و گاه دور (بعید)؛ اگر واسطه‌های میان لازم و ملزوم چند امر باشد به آن «تلویح» می‌گویند؛ مثلاً کثیرالرماد کنایه از بخشندگی است؛ زیرا کسی خاکستر زیاد دارد؛ غذای زیاد می‌پزد پس مهمان زیاد دارد، پس بخشنده است. ممکن است واسطه‌های میان لازم و ملزوم اندک باشد، چنانکه بلافاصله پس از شنیدن، عقل سلیم آن را دریابد، مثل «سیه روی شدن» کنایه از بدبختی است که به این نوع «ایما» می‌گویند. گاه واسطه‌های میان لازم و ملزوم پنهان است؛ مثل: «ناخن خشک» که کنایه از خسیس است. به این نوع کنایه «رمز» می‌گویند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

۱-۲-۴. تعبیر مجازی

از آنجا که اصطلاح زبانی یا تعبیر اصطلاحی غالباً کنایی هستند، ابتدا باید فرق بین مجاز و کنایه را روشن کنیم. «فرق کنایه و مجاز را دو امر دانسته‌اند، نخست آنکه کنایه منافاتی با اراده حقیقت ندارد و هیچ مانعی نیست از اینکه در تعبیر «فلان طویل النجاد» منظور بلندی شمشیر باشد نه لازم آن که بلندی قامت است، اما در مجاز چنین نیست. به همین جهت است که در مجاز همیشه قرینه‌ای وجود دارد برای منع اراده حقیقت، بر عکس کنایه که در آن چیزی وجود ندارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۱۴۳).

«رأيت بحرا في المسجد» منظور از دریا، فرد عالم است و حضور وی در مسجد، قرینه‌ای است بر این معنای اصلی دریا اراده نشود؛ زیرا دریا نمی‌تواند وارد مسجد شود. خرج الشارح المصری بتظاهرة: خیابان مصر برای تظاهرات خارج شد. در این تعبیر نیز خیابان مجاز از مردم خیابان است با علاقه مکان، پس برخی از اصطلاحات زبانی، مجازی هستند.

۱-۲-۵. تعبیر استعاری

استعاره‌ها معمولاً در کلمات جاری می‌شوند، اما کنایه در ساختار جمله واقع می‌شود. در تعبیر اصطلاحی ممکن است بتوانیم در کلمات آن استعاره را جاری کنیم، اما مجموعاً کنایه است؛ مانند:

«أسدٌ علیّ و فی الحروبِ نعامةٌ؛ الکلْبُ علی بابِ داره أسدٌ»: (بر من شیر است، اما در جنگ‌ها شترمرغ، سگ در دروازه خانه‌اش شیر است): شیر خانه و شغال بیرون، فقط جلوی ما شاخ و شانه می‌کشد» (ناظمیان، ۱۳۹۳: ۳۷).

شیر بودن استعاره از شجاعت است، اما این تعبیر در مجموع، کنایه از بزدلی و زورگفتن به مظلوم است.

۱-۳. اصطلاح‌سازی (نحت)

یکی از روش‌های اصطلاح‌سازی در زبان عربی استفاده از مصادر منحوت است که مترجم عربی به فارسی باید به خوبی آن را بشناسد و قدرت تشخیص آن را داشته باشد. هر زبانی برای گسترش واژه‌سازی از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کند. زبان عربی نیز در این زمینه از ویژگی اشتقاق بهره می‌گیرد؛ زیرا زبان عربی زبانی اشتقاقی است. «النحت (تراشیدن) به معنای ساختن فعل و مصدر جعلی و ساختگی از کلمات عربی و غیرعربی است. مصادر منحوت (ساختگی) نقش مهمی در گسترش دامنه اشتقاق زبان عربی و ساختن اصطلاحات جدید ایفا می‌کنند... مصادر منحوت، بیشتر در باب‌های فَعْلَلَه (رباعی مجرد)، تَفْعُل، تَفْعِيل و افعال به کار می‌روند.

مصادر منحوت از نظر هدف و انگیزه شکل‌گیری به سه گروه تقسیم می‌شوند:

الف- رنگ عربی بخشیدن به کلمه. با قرار دادن کلمه غیرعربی در یکی از قالب‌های صرفی زبان عربی، رنگ و هویت عربی به آن داده می‌شود. برای مثال، واژه برنامه‌نگ از زبان فارسی و واژه تلفن از لاتین وارد زبان عربی شده و در باب فعلله از آن مصدر و فعل ساخته شده است: برمجة: برنامه‌ریزی کردن. برمج: برنامه‌ریزی کرد.

ب- نسبت دادن به مفهوم یا منطقه‌ای خاص. با بردن کلمه عربی یا غیرعربی به یکی از باب‌های مصادر منحوت، نسبت دادن و گرایش از آن استنباط می‌شود؛ مانند: صَهينة: صهیونیستی کردن. لَبَنَّة: لبنانی کردن. أَمْرَكة: آمریکایی، آمریکایی کردن. شرعنة: مشروعیت بخشیدن. تفرعن: فرعونی کردن، استکبار. تأقلم: سازگاری با اقلیمی خاص.

ج- رعایت ایجاز و اختصار. از رهگذر مصادر منحوت می‌توان برای یک عبارت طولانی از یک کلمه استفاده کرد. مصادر منحوت به این معنا همان ترکیب کردن چند کلمه در یک کلمه است که در زبان‌های دیگر با عنوان علائم اختصاری (سرواژه‌ها) شناخته می‌شود. این کاربرد سابقه‌ای دیرینه دارد و بیشتر برای عبارت‌های مذهبی به کار رفته است مانند: بِسْمِ اللّٰهِ: بسم‌الله گفت. اسْتَرْجِعْ: إنا لله و إنا إليه راجعون گفت. حَمْدُ اللّٰهِ: الحمد لله گفت (ن. ک: ناظمیان، ۱۳۸۶: ۱۶۳-۱۶۵).

گاهی نیز دو واژه را به یک واژه اختصار می‌دهند؛ به عنوان مثال، واژه «برمائی» (دوزیست) که از ترکیب دو کلمه «بر» و «ماء» تشکیل شده است و یا حلمأة: به معنای هیدرلیز از دو کلمه «تحلیل» و «مائی» ترکیب شده است.

آگاهی مترجم از این اوزان و تشخیص آن‌ها باعث می‌شود در میان فرهنگ‌های لغت و فرهنگ‌های اصطلاحات سردرگم نشود. در فرهنگ‌های اصطلاحات نیز جز در موارد اندک به مصادر منحوت اشاره نمی‌شود؛ زیرا این مصادر که همراه با پیشرفت علم و دانش و تحول زبان و با هدف واژه‌سازی در زبان عربی ساخته می‌شوند، کاملاً نو و جدید به شمار می‌روند و در فرهنگ‌های اصطلاحات وجود ندارند. بنابراین، مترجم باید با فرآیند شکل‌گیری و ساخت مصادر منحوت که گاه توسط فرهنگستان زبان و اغلب توسط نویسندگان و شاعران پیشنهاد شده و به کار می‌رود، آشنا باشد تا بتواند به خوبی برای آن‌ها معادل‌یابی کند. بنابراین، شناخت این مصادر از چالش‌های معادل‌یابی است. در ادامه نمونه‌هایی از این مصادر و ترجمه آن‌ها ارائه شده است.

- السرطنة: سرطان‌زا بودن

- المُسرطن: سرطان‌زا

- هانی الناظر طبيبُ الأمراض الجلدية يكشفُ حقيقةَ سرطنةِ الخبزِ المحفوظِ في أكياسِ البلاستيكِ بالتلاجةِ و لا يصدقُها: هانی الناظر پزشک بیماری‌های پوستی از ماهیت سرطان‌زا بودن نان‌های حفظ شده در کیسه‌های پلاستیک در یخچال پرده برمی‌دارد و آن‌ها را تأیید نمی‌کند.

- الهدرج: هیدروژنه کردن

- المهدرج: هیدروژنه

- كيف يتحول زيت نباتي إلى زيت مهدرج؟ چگونه روغن نباتی به روغن هیدروژنه تبدیل می‌شود؟

- التخصصة: خصوصی سازی

- المُخصَّص: خصوصی سازی شده

- هل أدت خصخصة التعليم في العراق الأهداف المرجوة منها؟ آیا خصوصی سازی آموزش در عراق به هدف‌های مورد نظر رسیده است؟

- التصحر: گسترش یافتن صحرا

- منعت السماء قطرها فازداد التصحر: آسمان، باران خویش را دریغ کرد و در نتیجه بیابان‌زایی افزایش یافت.

بحث و نتیجه‌گیری

شناخت تفاوت لغت و اصطلاح یکی از چالش‌های معادل‌یابی در ترجمه است و این چالش در ترجمه از عربی به فارسی خود را بیشتر نشان می‌دهد؛ زیرا مرز بین فرهنگ لغت و فرهنگ اصطلاح چندان مشخص نیست و فرهنگ‌های لغت، آمیزه‌ای از لغت و اصطلاح هستند. بنابراین، تفاوت‌های اصطلاح و لغت این است که اصطلاحات، پایه هر علم است و متخصصان رشته‌های علمی مختلف برای بیان مفاهیم مورد نظر خود به جای

واژه‌سازی از کلمات موجود در زبان استفاده می‌کنند و آن را در معنا و مفهوم خاصی که ویژه آن علم است تثبیت می‌کنند. علاوه بر این، اصطلاحات مترادف‌پذیر نیستند در حالی که لغت، مترادف‌های مختلفی دارد. گاهی برای ساختن اصطلاح در علمی خاص از طریق مجاز یا استعاره یا کنایه به واژه‌ای برجستگی و تشخص می‌بخشند تا از طریق همنشین ساختن آن واژه با واژه‌های دیگر، اصطلاح بسازند.

اصطلاح به دو نوع اصطلاح علمی و اصطلاح زبانی تقسیم شده که غرض از اصطلاح زبانی همان تعبیر اصطلاحی یا تعبیر مثلی است. تعبیر اصطلاحی را نمی‌توان با ترجمه واژگان آن معادل‌یابی کرد؛ مانند: شبّ عن الطوق: به بلوغ رسیدن.

در باب تفاوت ضرب‌المثل با اصطلاح زبانی باید گفت اصطلاح زبانی بیشتر ارائه یک اندیشه یا بیان یک حادثه است، اما هدف از ضرب‌المثل، ارائه اندرز و مشاوره است. اصطلاح زبانی را می‌توان مدخل لغت‌نامه قرار داد و به صورت مصدری به کار برد، اما ضرب‌المثل چنین نیست.

معادل‌یابی برای مصادر منحوت که از زیرمجموعه‌های واژه‌سازی است، چالش‌هایی دارد که مهم‌ترین آن‌ها ذکر نشدن این مصادر در فرهنگ‌های اصطلاحات است و مترجم باید با آگاهی از فرآیند شکل‌گیری مصادر منحوت، قدرت تشخیص این مصادر را در متن داشته باشد تا به اشتباه نیفتد.

یکی از چالش‌های ترجمه از عربی به فارسی و برعکس، معادل‌یابی برای تعابیر کنایی است؛ زیرا معنای اغلب اصطلاحات زبانی به ویژه تعابیر کنایی را نمی‌توان از معنای تک تک واژگان آن‌ها حدس زد. این تعابیر به فرهنگ جامعه گره خورده‌اند و فهم آن‌ها به تجربه مترجم در زبان اصلی بستگی دارد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Robabeh Ramezani



<https://orcid.org/0000-0002-4275-165X>

Zhoreh Ghorbani



<https://orcid.org/0000-0001-5339-4179>

Madavani

منابع

آراسته خو، محمد. (۱۳۷۰). *نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی- اجتماعی*. چاپ دوم. تهران: نشر گستر.

ابوالحق، احمد. (۱۹۸۸). *البلاغه و التحليل الأدبي*. بیروت: دارالعلم للملایین.

انوری، حسن. (۱۳۸۴). *فرهنگ امثال سخن*. تهران: انتشارات سخن.

بیرو، آلن. (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: مؤسسه کیهان.

جرجانی، شریف. (۱۹۸۳). *التعريفات*. بیروت: دارالفضیلة.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۳۴). *فرهنگ حقوقی*. تهران: کانون معرفت.

خوارزمی، ابو عبدالله. (۱۳۶۲). *مفاتیح العلوم*. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۷). *تفاوت کنایه با ضرب المثل*. فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۶ (۱۰)، ۱۰۹-۱۳۳.

زرکوب، منصوره و امینی، فرهاد. (۱۳۹۳). *تحلیل مقابله‌ای امثال در فارسی و عربی از نظر معنا و واژگان و سبک (بررسی موردی بیست و یک مثل)*. دو فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۴ (۱۰)، ۱۱۹-۱۳۹.

ستوده، غلامرضا. (۱۳۸۶). *مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی*. تهران: انتشارات سمت.

السکاکینی، خلیل، (۱۹۴۵). *نون النسوة. مجلة المنتدى*. اشیاط.

گرچی، زهره، خزعلی، انسیه و عباس، دلال. (۱۳۹۹). *نقد ترجمه عناصر فرهنگی کتاب تذکری با تکیه بر مثل‌ها و کنایه‌ها*. دو فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۰ (۲۲)، ۳۵-۷۱.

ناظمیان، رضا. (۱۴۰۰). *روش‌هایی برای ترجمه از عربی به فارسی*. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات سمت.

_____. (۱۳۹۰). *ترجمه متون مطبوعاتی*. تهران: انتشارات سخن.

_____. (۱۳۹۳). *فرهنگ امثال و تعابیر*. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

نظری علیرضا واسدالله‌پور عراقی، زهره. (۱۳۹۴). تداخل زبانی و دگرگونی معنایی وام‌واژه‌های عربی و جنبه‌های تأثیر آن‌ها بر ترجمه از عربی. دو فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۵(۱۳)، ۸۵-۱۰۶.

الهاشمی، احمد. (۲۰۱۷). *جواهر البلاغة*. قاهره: مؤسسة هنداوی.

References

- Anuri, H. (2004). *Dictionary of proverbs*. Tehran: Sokhon Publications. [In Persian]
- Abul Haq, A. (1988). *Rhetoric and literary analysis*. Beirut. Dar al-Alem Lalmulayain. [In Arabic]
- Al-Sakakini, Kh. (1945). Nun al-Nuswa. *Almantadi magazine*. Shabat [In Arabic]
- Arastekho, M. (1991). *Criticism and attitude on the culture of scientific-social terms*. Second Edition. Tehran: Nash Gostar. [In Persian]
- Biro, A. (1987). *Social science culture*. Translated by Sarukhani. Baqir the universe Cosmos Institute. [In Persian]
- El Hashemi, A. (2017). *The jewel of rhetoric*. Cairo: Hindawi Foundation. [In Arabic]
- Gerji, Z, Khazali, A. and Abass, D. (2019). Criticism of the translation of the cultural elements of the Book of Takhkari based on parables and allusions. *Journal of translation studies in Arabic language and literature*. 10(22). 35-71. [In Persian]
- Jafari Langroudi, M. J. (1955). *Legal culture*. Tehran: Center of knowledge. [In Persian]
- Jurjani, Sh. (1983). *Definitions*. Beirut. Darul Fazilah. [In Arabic]
- Khwarazmi, A. A. (1983). *Mofatih al-Uloom*. Tehran: Center for scientific and cultural publications. [In Persian]
- Nazari, Ali. and Asadullahpour Iraqi, Z. (2015). Linguistic interference and semantic transformation of Arabic words and their effects on translation from Arabic". *Journal of translation studies in Arabic language and literature*. 5(13). 85-106. [In Persian]
- Nazimian, R. (2021). *Methods for translation from Arabic to Persian*. 13th Edition. Tehran: Side. [In Persian]
- _____. (2011). *Translation of press texts*. Tehran: Speech [In Persian]
- _____. (2014). *Dictionary of proverbs and interpretations*. Tehran: Contemporary culture. [In Persian]

- Sotoudeh, Gh. (2008). *Referencing and research methods in Persian literature*. Tehran: Side Publications. [In Persian]
- Zarkoub, M. and Amini, F. (2013). Comparative analysis of proverbs in Persian and Arabic in terms of meaning, vocabulary and style (a case study of twenty one proverbs). *Journal of translation research in Arabic language and literature*, 4(10). 119-139. [In Persian]
- Zulfiqari, H. (2008). The difference between irony and simile. *Persian language and literature research journal*. 6 (10). 109-133. [In Persian]



استناد به این مقاله: رضانی، ربابه و قربانی مادوانی، زهره. (۱۴۰۱). کنکاشی در معادل‌یابی اصطلاح و اصطلاح‌سازی از عربی به فارسی. *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۲(۲۷)، ۶۹-۹۱.
doi: 10.22054/RCTALL.2023.70131.1651



Translation Researches in the Arabic Language and Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.